

آموزش قالب‌های شعری

غزل

شعری است که قافیه آن در دو مصراع بیت‌های اول و مصراع‌های دوم تمام بیت‌ها رعایت شده باشد و تعداد ابیات آن بین ۵ تا ۱۲ باشد.

موضوع غزل: درون‌مایه غزل عاشقانه، عارفانه یا مضمونی اجتماعی دارد. همچنین، بیان عواطف و احساسات، وصف طبیعت یا گفت‌وگو از ایام جوانی است.

پیدایش غزل: غزل در قرن ششم هجری قمری رواج یافت؛ بدین گونه که تغزل قصاید به صورت قالبی مستقل درآمد و غزل نام گرفت. محتوای غزل در آغاز عاشقانه بود و سپس عارفانه (قرن‌های هفت و هشت)، و به دنبال آن در دوره مشروطیت جنبه اجتماعی به خود گرفت. غزل در روزگار ما نیز همواره از قالب‌های درجه اول و محبوب شعر فارسی بوده است.

تخلص شاعری: وقتی است که شاعر در پایان غزل نام خود یا تخلص شاعری خویش را می‌آورد.

غزل سرایان بزرگ شعر فارسی: شهریار، هراتی، رهی معیری، صائب تبریزی، حافظ، سعدی، مولوی و سنایی غزنوی.

(برای اطلاعات بیشتر می‌توانید کتاب سبک‌شناسی زبان و شعر فارسی، محمدتقی بهار را مطالعه نمایید)

نمودار قالب غزل

* _____ * _____
* _____
* _____

غزل امروز

به رسم صبر، باید مرد آهش را نگه دارد
اگر مرد است بغض گاه‌گاهش را نگه دارد
پریشان است گیسویی در این باد و پریشان‌تر
مسلمانی که می‌خواهد نگاهش را نگه دارد
عصای دست من عشق است، عقل سنگدل بگذار
که این دیوانه تنها تکیه گاهش را نگه دارد
به روی صورتم گیسوی او مهمان شد و گفتم
خدا دل‌بستگان روسپاهش را نگه دارد
دل‌م را چشم‌هایش تیرباران کرد، تسلیم
بگویند آن کمان‌ابرو سپاهش را نگه دارد!

سجاد سامانی

ادبیات فراترازمز

نزار قبانی

شاعر سرشناس و پرنفوذ عرب در شهر دمشق در کشور سوریه دیده به جهان گشود. در دمشق دیپلم ادبیات و فلسفه گرفت. مرگ خواهر و سپس از دست‌دادن پسر جوان و همچنین همسرش، تأثیری عمیق بر او گذاشت. او را شاعر عشق می‌نامند.

مدتی سفیر سوریه در لندن بود و در ۷۵ سالگی در لندن درگذشت. «برای بیروت مانوس با عشق، قصیده بلقیس، این‌گونه تاریخ زنان را می‌نویسم» و بسیاری آثار درخشان دیگر از او به جای مانده‌اند.

از میان کتاب‌های او «دوستت دارم امضای من است» را می‌توان نام برد که مجموعه‌ای بی‌نظیر از ترانه‌های عاشقانه نزار قبانی است که دکتر اصغر علی کرمی (شاعر، مترجم و روزنامه‌نگار) آن را ترجمه کرده است.

نمونه‌ای از شعر نزار قبانی، ترجمه اصغر علی کرمی (منبع: عاشقانه سرای بی همتا نزار قبانی)

کدام دلخواه‌ترید؟
شعر من و چهره تو
دو قطعه طلا هستند
دو کبوتر
دو شکوفه صورتی
و هنوز سردرگم
کدام یک از شما
کدامتان دلخواه‌ترید؟

بهار انقلاب

تا تو ای بهار تازه آمدی
سروهای سرفراز آمدند
مثل رودخانه‌های پرخروش
عاشقان به پیشواز آمدند

دسته‌دسته گل شکفت در زمین
باغ‌ها بهار شد ز بوی باد
آسمان برای چشم روشنی
آفتاب را به دشت هدیه داد

قیصر امین پور

شاعرماه

الهام فتاحی

متولد ۱۳۵۸ در کرمانشاه هستم. در دوره متوسطه اول شوق و شیفتگی به هنر مرا به سمت رشته گرافیک برد و علاقه به شعر و نمایش باعث شد در طول چهار سال دوره دبیرستان، با شرکت در جشنواره‌های کشوری دانش‌آموزی در رشته‌های داستان‌نویسی، نمایشنامه‌نویسی و کارگردانی، رتبه‌های برتر کشوری کسب کنم. همین شور و شوق و کسب موفقیت پای مرا به کانون شاعران و نویسندگان کرمانشاه باز کرد تا جستجو و گریخته در محضر استادانی چون محمدجواد محبت و سرکار خانم شهروز دانش‌پژوه و آقایان کوروش همه‌خانی، حسین احمدی محبوب و مسعود صادقی بروجردی بر دانش ادبی خود بیفزایم. در ۱۷ سالگی، با وجود موفقیت در رشته گرافیک، در دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکترا در رشته ادبیات فارسی تحصیل کردم و هم‌زمان در کردستان، اصفهان و کرمانشاه کار نمایش حرفه‌ای را در رشته نمایشنامه‌نویسی و کارگردانی، گویندگی و نویسندگی تلویزیون را در شبکه استانی زاگرس، تدریس را در دانشگاه آزاد و دبیرستان‌های کرمانشاه و تهران، و شعر را تنها در خلوت پی‌گرفتم.

برای گریه دو تا یار راستین دارم
هزار شکر که با خود دو آستین دارم

دل‌م به یک وجب از آسمان تو خوش بود
وگر نه من که کران تا کران زمین دارم

چه بال‌های ظریفی به من سپرده خدا
چه سنگ‌های درشتی که در کمین دارم

پناه برده‌ام از نور کنج تاریکی
به نانجیبی فانوس‌ها یقین دارم

مرا ستاره چشم خودم سلیمان کرد
وگر نه غیر سیاهی چه در نگین دارم؟

چنان به زخمه زدی گوشه‌گوشه جانم را
که رفته‌ای و من از زخم‌ها طنین دارم

اگر چه تو خودمی باز جای حرف دل‌م
هنوز هم که هنوز است نقطه‌چین دارم



شعر خوانی

احتمالاً شما هم افرادی را دیده‌اید که تحصیلات بالایی دارند اما بلد نیستند به درستی شعر بخوانند و کسره و ضمه و فتحه را اشتباه می‌گیرند! اگر شما به عنوان تحصیل‌کرده آینده نمی‌خواهید بعداً شعر خواندن بلد نباشید، به پادکست‌های این صفحه گوش کنید. ضرر نمی‌کنید.

شعر امروز

به مناسبت ولادت حضرت زهرا (س)

غزل

شب تاریک کنار تو به سر می‌آید
نام زهرا به تو بانو چه قدر می‌آید

آبرو یافته هر کس به تو نزدیک شده
خار هم پیش شما گل به نظر می‌آید

و نبوت به دو تا معجزه آوردن نیست
از کنیزان تو هم معجزه بر می‌آید

به کسی دم نزد، اما پدرت می‌دانست
وحی از گوشه چشمان تو در می‌آید

کاظم بهمنی

